



### **مثنوی؛ واجد والاترین معارف الهی، لطایف عرفانی و آموزه های اخلاقی**

مثنوی معنوی، بی گمان شکاھکاری یگانه در عرصه ادبیات است که در برگزیده والاترین معارف الهی، لطایف عرفانی و آموزه های تربیتی و اخلاقی است.

مثنوی معنوی، بی گمان شکاھکاری یگانه در عرصه ادبیات است که در برگزیده والاترین معارف الهی، لطایف عرفانی و آموزه های تربیتی و اخلاقی است.

به گزارش خبرنگار مهر، مصطفی دلشاد تهرانی، از مثنوی پژوهان و نویسنده مجموعه کتابهای مثنوی نامه در یادداشتی به مناسبت روز بزرگداشت مولوی به معرفی این شخصیت ممتاز در ادبیات و عرفان اسلامی پرداخته است:

مثنوی معنوی، بی گمان شکاھکاری یگانه در عرصه ادبیات است که در برگزیده والاترین معارف الهی، لطایف عرفانی و آموزه های تربیتی و اخلاقی است. آفریننده این کتاب جاودان، جلال الدین محمد بلخی مشهور به مولانا و مولوی است که به سبب آنکه بیشتر عمر خود را در آسیای صغیر و روم شرقی به سر برد و مفتی آنجا بود به رومی و ملاک روم آوازه یافته است.

ملاک روم به سال ۶۰۴ هجری در بلخ، از شهرهای مهم خراسان بزرگ دیده به جهان گشود. پدرش مولانا محمد ابن حسین معروف به بهاء الدین ولد و سلطان العلماء از عارفان برجسته و بزرگان صوفیه بود و جلال الدین محمد نخستین آموزه ها را از جاری وجود پدر دریافت.

سرزمین خوارزم، موطن بهاء الدین ولد ظرفیت تحمل او را نداشت و متکلمان آن خطه از جمله فخرالدین رازی او را در تنگنا قرار دادند و با نفوذی که در سلطان محمد خوارزمشاه داشتند زندگی را بر وی چنان سخت کردند که او را به هجرت کشانیدند.

جلال الدین محمد خردسال بود که همراه پدر از وطن کوچید و از آن فضای تنگ رهید. آنان راهی بغداد شدند و پس از اقامتی چند در آن جا به حج رفتند و در پی آن به منطقه ارزنجان [۱] کوچ نمودند و مدتی کوتاه در آق شهر [۲] از شهرهای آن منطقه رحل اقامت افکندند. در این هنگام علاء الدین کیقباد [۳]، از سلاطین سلجوقی روم، بهاء الدین ولد را به قونیه دعوت کرد و وی نیز دعوت او را پذیرا شد و در قونیه ماندگار گشت و تا پایان عمر، به سال ۶۲۸ هجری، در آنجا به وعظ و ارشاد و ترویج معارف الهی و آموزه های عرفانی پرداخت.

پس از مرگ بهاء الدین ولد، مریدان و شاگردان او گرد جلال الدین محمد را که در آن زمان بیست و چهار ساله بود گرفتند و از او خواستند تا مسند پدر را زنده و گرم نگه دارد. مدتی بر این منوال گذشت تا اینکه سید برهان الدین محقق ترمذی از شاگردان بهاء الدین ولد از خوارزم راهی قونیه شد تا به دیدار استاد و مرشد خویش، بهاء الدین ولد رسد، ولی زمانی بدانجا رسید که سالی از مرگ او گذشته بود. پس همه همت خود را در آموزش و پرورش جلال الدین محمد به کار گرفت و او را بیش از پیش با آموزه های عرفان و سیر و سلوک صوفیان آشنا و پخته نمود.

۹ سال بدین ترتیب گذشت و محقق ترمذی درگذشت. در این زمان، جلال الدین محمد ملاک روم در علوم و دانشهای زمان خود سرآمد بود و در عرفان و سیر و سلوک کم مانند می نمود، اما آنچه او را از این مرحله به وادی ای ناشناخته، و شیدایی و شوری از عمق جان برخاسته و جلوه گری های بی مانند عارفانه و عاشقانه در زیباترین قالبهای شاعرانه کشانید. دیدار او به سال ۶۴۲ هجری با عارفی گمنام و سالکی تمام به نام شمس تبریزی بود، چنان که ملاک روم خود بدین تحول روحی اشارتها نموده و از جمله سروده است: زاهد کشوری بُدم، واعظ منبری بُدم/کرد قضا دل مرا عاشق کف زنان تو [۴]

ملاک روم در مجالست و مؤانست با شمس تبریزی دچار تحولی شگفت گشت، البته این مجالست و مؤانست چندان طول نکشید و تنگ نظری ها و حسادت ورزی ها، منجر به کوچیدن شمس شد. ملاک روم در اندوهی جانکاه فرو رفت و بی قرار گشت تا اینکه صلاح الدین زرکوی که از معنویت و والا بهره داشت به زندگی او راه یافت و قدری جای خالی شمس تبریزی را پر کرد.

۱۰ سال از زندگی ملای روم در مجالست و مؤانست با صلاح الدین زرکوب گذشت تا اینکه او نیز درگذشت. پس از این بود که یکی از شاگردان والامقام ملای روم به نام حسام الدین چلپی درخواست سرودن مثنوی را کرد و چندان بر آن اصرار ورزید که ملای روم پذیرا شد و به احتمال زیاد، به سال ۶۵۸ هجری، سرودن مثنوی را آغاز کرد. پس از سرودن دفتر اول با مرگ همسر حسام الدین چلپی به سال ۶۶۰، وقفه ای دو ساله در آن ایجاد شد و به سال ۶۶۲ مجدداً آغاز گردید و تا سال ۶۷۲ و پیوستن مولانا به ملکوت اعلا ادامه یافت و اثری بی مانند طی چهارده سال در شش دفتر با ۲۵۶۷۲ بیت آفریده گشت.

این مجموعه بی مانند، اثری آموزشی، تربیتی، اخلاقی و عرفانی است. مرحوم استاد عبدالحسین زرین کوب درباره کاری که ملای روم در مثنوی معنوی کرده است، می نویسد: شش دفتر مثنوی او در حقیقت عبارت است از بیان حقایق تصوف و شرح رموز آیات قرآنی و اخبار نبوی. نه ترک شریعت و تسلیم به طامات صفویه را توصیه می کند و نه گرایش به فقر و عزلت و رهبانیت را تبلیغ می نماید. مرد کامل را کسی می داند که جامع صورت و معنا باشد، بلکه وجود زن و فرزند را نیز حجاب راه نمی شناسد و درست مثل یک متکلم، اما به کمک قیاسات تمثیلی و تشبیهات شاعرانه، در تأیید و اثبات عقاید و میانی قرآن و اهل شریعت تبیین می کند. با این همه لب و مغز شریعت را عبارت از عشق می داند و محبت را که سبب تزکیه و تربیت دل است، مؤثرترین عامل در تهذیب نفس می داند و مهمترین وسیله برای نیل به معراج روح، که وصول بدان غایت سیر اهل طریقت و مؤدی به کشف و اخذ حقیقت است، می شمارد. در باب اخلاق و تربیت نیز نکته سنجی های بدیع دارد. اخلاق نیز در تعلیم مولوی، وسیله ای است برای تهذیب صوفیانه و وی شریعت و اخلاق و طریقت را برای نیل به حقیقت که غایت مطلوب واصل و مبدأ وجود است به منزله وسیله می شمارد. [۵]

روش ملای روم در کتاب مثنوی معنوی مانند روش دیگر مؤلفان و سرآیندگان در آثارشان نیست. آنان به طور معمول مطالب خود را تبویب می کنند و ذیل بخشها و فصلها تنظیم می نمایند و کل به جزء می کنند و در هر قسمت موضوعی معین را مطرح می نمایند، در حالی که ملای روم در مثنوس در ابتدای بحث به موضوعی می پردازد و با پیشرفت تدریجی در آن، به موضوعات دیگری منتقل می شود که گاهی رابطه میان آنها و موضوع اصلی کاملاً مستقیم و روشن است و گاهی غیرمستقیم و باریک و ظریف و البته در مواردی فاصله میان موضوع اصلی و مباحث بعدی چندان زیاد است که ارتباط معمولی میان آنان قطع می شود ولی با دقت و تأمل این ارتباط برقرار می گردد. ملای روم با هنرمندی و ظرافتی بی مانند در مثنوی، تمام آنچه را که لایه به لایه در ذیل یک موضوع اصلی آورده، به هم مرتبط نموده و پیوند داده است و لازم است در بررسی این کتاب به این نکته توجه شود، وگرنه عالی ترین مطالب در گروهی از ابیات برای مطالعه کننده ابهام آمیز جلوه خواهد کرد. [۶]

فهم مطالب مثنوی در بعضی موارد مشکل و محتاج شرح شده است و از این رو شروح بسیار به فارسی و عربی و ترکی به نظم و نثر بر تمام یا قسمتی از آن نوشته شده است که بعضی از آنها در واقع تأویل مثنوی است بر مشرب شارحین. [۷]

پی نوشت:

[۱] ارزجان منطقه ای است در ارمنستان ترکیه در کنار رود قره سو در فاصله ۶۸۸ کیلومتری شرق آنکارا. ر.ک: معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۵۰، فرهنگ فارسی، ج ۵، ص ۱۲۰.

[۲] شهر سفید

[۳] وی یازدهمین سلطان از سلجوقیان روم است که بین سالهای ۶۱۶ تا ۶۳۳ هجری بر بخشی از آسیای صغیر حکومت کرد. ر.ک: الکامل فی التاریخ، ج ۱۲، ص ۳۵۴؛ تاریخ سلاجقه، ص ۳۳.

[۴] کلیات دیوان شمس تبریزی، غزلیات، قسمت دوم، ص ۳۲۷.

[۵] ارزش میراث صوفیه، صص ۱۳۷-۱۳۸

[۶] تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال الدین محمد بلخی، صص ۱۳-۱۴.

[۷] ارزش میراث صوفیه، ص ۱۳۶.